

مطالعات زبان

متون مطبوعاتی خبری و غیر خبری و نقش آن‌ها در آموزش زبان فارسی به غیر فارسی زبانان

(مطالعه موردی مقایسه مجلات و روزنامه‌ها)

طاهره وحیدی فردوسی^۱، علی علیزاده^۲، عطیه کامیابی گل^۳

۱- دانشجوی رشته آموزش زبان فارسی به غیرفارسی زبانان دانشگاه فردوسی مشهد

۲- دانشیار زبانشناسی دانشگاه فردوسی مشهد

۳- استادیار زبانشناسی دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

مهم‌ترین نقش رسانه‌ها از جمله رسانه‌های نوشتاری، نقش آموزشی آن است. لزوم توجه به رسانه‌های نوشتاری در آموزش زبان و باروری فرهنگ جمعی یکی از مسائلی است که اهمیت آن در عصر ارتباطات بدیهی است. متون مطبوعاتی از آنجاکه با عموم مردم سخن می‌گویند از نگاه عامه مردم زبان معیار^۱ محسوب می‌شوند لذا نگارش صحیح، بیان ساده، شفافیت معنایی و پرهیز از جملات طولانی در انتقال پیام اساسی‌ترین ارکان نوشتار مطبوعاتی است. با توجه به نقش مهم رسانه‌ها در انتقال اطلاعات و توجه به آمار رو به ازدیاد فارسی آموزان، جهت فراگیری زبان فارسی، استفاده از رسانه‌های نوشتاری به‌عنوان یکی از منابع کمک آموزشی در کلاس‌های درس ضروری است. تأثیر زبان مطبوعات از جمله روزنامه‌ها و مجلات به‌عنوان یک منبع کمک آموزشی برای غیر فارسی زبانان ایجاب می‌کند که این زبان تا حد ممکن ویراسته شود؛ اما متأسفانه در بسیاری از متون مطبوعاتی ساختار دستوری به‌درستی رعایت نمی‌شود. این مقاله درصدد پاسخ به این پرسش‌هاست: (۱) میزان دشواری متون مطبوعاتی از نظر نحوی چگونه است؟ (۲) آیا تفاوتی میان نشریات سراسری (روزنامه‌های کثیرالانتشار) و نشریات عامه‌پسند (مجلات) از نظر الگوهای نحوی وجود دارد؟ (۳) متون مطبوعاتی تا چه حد مطابق با زبان فارسی معیار است؟ بدین منظور ۱۴۰۰ جمله به‌صورت تصادفی از ۶ نشریه انتخاب شد. از میان نشریات سرا سری (همشهری، جام جم، ایران) ۷۰۰ جمله و از میان نشریات (خانواده سبز، روزهای زندگی، اطلاعات هفتگی) نیز ۷۰۰ جمله، در موضوعات اجتماعی، ورزشی و حوادث انتخاب گردید. سپس جمله‌های از این نشریات از منظر نحوی به‌طور جداگانه و به‌صورت آماری شناسایی و بررسی شد. نتایج حاصل از این پژوهش حاکی از آن است در اکثر موارد تفاوت زیادی میان مجلات و روزنامه‌ها از نظر ساختار نحوی (جابجایی ارکان جمله، حذف سازه‌ها، طولانی بودن جمله‌ها، کاربرد جمله‌های مرکب و پیچیده) وجود ندارد. در نتیجه به نظر می‌رسد با توجه به بسامد بالای عناصر زبانی فوق‌الذکر در رسانه‌های نوشتاری اعم از روزنامه‌ها و مجلات مورد بررسی در این پژوهش، ساختار متون مطبوعاتی فارسی زبان چه از نظر واژگانی و چه از نظر دستوری نمی‌تواند سهم مناسبی در آموزش زبان فارسی به غیر فارسی زبانان داشته باشد. در پایان راهکارهایی برای اصلاح الگوهای نحوی در نشریات ارائه می‌شود.

کلمات کلیدی: الگوهای نحوی، رسانه‌های نوشتاری، زبان معیار، غیرفارسی زبانان

¹ Standard language

مطالعات زبان

۱. مقدمه

چون رسانه و زبان برای انتقال اطلاعات به زبان نیازمندند بنابراین می‌توان گفت زبان و رسانه دو مقوله در هم تنیده هستند. زبان فارسی رکن اصلی هویت ملی ما است و یکی از مصداق‌های زبان معیار است لذا انتظار می‌رود نوشتار این رسانه منطبق با معیارهای اصیل زبان فارسی باشد. رسانه‌ها به علت وسعت کار و مخاطبان عام خود، نوعی ابزار آموزشی برای مخاطبان نیز محسوب می‌شوند. اکنون تعلیم و تربیت تنها به کتاب و معلم محدود نمی‌شود و مفهوم گسترده‌تری پیدا کرده است و زبان آموزان لازم است با انواع متون نوشتاری آشنایی نسبی پیدا کنند و از طرف دیگر زبان رسانه‌های همگانی توانایی این را دارند که حتی زبان محاوره را بالا ببرند. امروزه استفاده از رسانه‌ها از جمله مطبوعات به‌عنوان ابزاری برای آموزش مطرح هستند و استفاده از مطبوعات فرصتی را برای فراگیران فراهم می‌کند تا علاوه بر آشنایی با فرهنگ و جهان‌بینی زبان هدف، توانایی ارتباطی خود را افزایش دهند. خواندن متون مختلف از جمله روزنامه‌ها و مجلات باعث می‌شود زبان آموز با دنیای بیرون ارتباط پیدا کند و همچنین منجر به تقویت مهارت‌های دیگر می‌شود. بعلاوه با توجه به عصر فناوری و ارتباطات رسانه‌ها جایگاه ویژه خود را دارند و برای جلب توجه مخاطبان خود و تأثیر بر افکار عمومی از ابزارهای مختلف استفاده می‌کنند. همان‌طور که می‌دانیم زبان به‌عنوان یک وسیله ارتباطی در رسانه نقش مهم و اساسی دارد و یکی از ابزارهای کاربردی رسانه زبان است. شاید برای هر زبان‌آموزی فرصت برقراری ارتباط با افراد بومی زبان فراهم نشود اما زبان آموز همیشه می‌تواند با متون مختلف از جمله روزنامه‌ها، مجله، شبکه‌های اینترنتی و... روبرو شود. زبان رسانه‌ها اگر از نظر واژگانی و ساختار دستوری در سطح مطلوبی باشند می‌توانند به‌عنوان یکی از منابع کمک آموزشی معتبر برای زبان‌آموزی مورد بهره‌برداری قرار گیرند؛ اما اصحاب رسانه و آنان که به زبان رسانه‌های جمعی می‌نویسند معمولاً توجه چندانی به کاربرد زبان ندارند. ساختار جملات در متون مطبوعاتی فارسی‌زبان به‌گونه‌ای است که برای خواننده غیر فارسی‌زبان بعضاً با ابهام و دشواری همراه می‌باشد چون زبان مطبوعات گونه‌ای از زبان معیار است باید قواعد دستوری و نحوی را در آن رعایت کرد اما تأثیر عواملی چند در زبان مطبوعات باعث شده که این زبان از زبان معیار فاصله گیرد. در این مقاله قصد داریم با توجه به تعاریفی که از زبان معیار شده است میزان انحراف الگوهای نحوی در زبان مطبوعات را از زبان فارسی معیار با هم مقایسه کنیم؛ و اینکه متون مطبوعاتی فارسی‌زبان تا چه حد برای غیر فارسی‌زبانان در کلاس‌های درس قابلیت اجرایی دارند.

۲. مبانی نظری و پیشینه تحقیق

تا کنون در زبان فارسی پژوهشی در مورد نقش الگوهای نحوی در متون مطبوعاتی و تأثیر آن بر درک خواننداری غیرفارسی‌زبانان انجام نشده است. عمده تحقیقات انجام شده پیرامون نقش رسانه‌ها در زمینه الگوهای معیار و مباحث تحلیل کلام اختصاص دارد. رفیعی خضری (۱۳۷۹) در تحقیقی با عنوان «زبان در مطبوعات» به مطالعه سر‌عنوان‌ها و متون خبری از دیدگاه کلامی پرداخته است. در این پژوهش ساختارهای اطلاعاتی^۱ و واژه‌های قرصی در مطبوعات فارسی‌زبان مورد مطالعه قرار گرفته و هدف از انجام آن، اثبات نشان‌دار^۲ بودن یا بی‌نشان بودن^۳ ساختارهای اطلاعاتی و میزان واژگان قرصی در روزنامه‌ها است. این پژوهش بر روی ۸۵ مقاله منتخب از ۳ روزنامه کیهان، اطلاعات و همشهری به مدت یک ماه انجام شده است. وی همچنین به محدودیت‌های غیرزبانی که در تنظیم عناوین خبری وجود دارد اشاره

¹ Information structure

² marked

³ unmarked

مطالعات زبان

نموده است. وی نتیجه‌ای که از پژوهش خود به دست آورده است را این‌گونه عنوان می‌کند که روزنامه‌ها به خاطر داشتن مخاطبان عام، در بین سایر گونه‌های نوشتاری (علمی، ادبی...) کمتر پرورده می‌شوند و برخلاف گونه‌های علمی یا ادبی پرستاب و ناشکیبا می‌باشند. خیرآبادی (۱۳۸۷) «در مقاله‌ای با عنوان شگردهای حذف سازگانی و پوشیدگی معنایی در صفحه اول روزنامه‌های فارسی‌زبان و تأثیر بر درک خواننداری فارسی‌زبانان و فارسی‌آموزان» ۳۵ فارسی‌زبان و ۳۵ فارسی‌آموز مشغول یادگیری زبان فارسی که توانایی خواندن فارسی داشتند را مورد بررسی قرار داده و در مجموع ۶۷۵ سر عنوان متعلق به صفحه اول روزنامه‌ها را از نظر داشتن یا نداشتن پوشیدگی معنایی و حذف معنایی مورد سنجش قرار داده و نتیجه گرفته از نظر خواننداری غیر فارسی‌زبانان به میزان بیشتری از فارسی‌زبانان در درک خواننداری خطا دارند و در نهایت نتیجه گرفته حذف سازه‌ها به میزان گسترده‌ای در صفحه اول روزنامه‌های فارسی‌زبان کاربرد دارد و باعث ایجاد دشواری در درک معنا توسط مخاطب می‌شود. بهجت (۱۳۸۴) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «ابهام و ابهام‌های در مطبوعات ورزشی» ابهام را بر دو نوع می‌داند: واژگانی و نحوی، نتایج تحقیق وی نشان داده است که اغلب ابهام‌های مطبوعات ورزشی از نوع نحوی_ ساختاری هستند وی عدم تشخیص تحلیل ساختار جمله و حذف را مهم‌ترین علل در پدید آمدن ابهام می‌داند. وکیلی فرد (۱۳۹۲) نیز در مقاله‌ای با عنوان «بررسی بسامد تکرار زمان‌های دستوری در گفتار و نوشتار، در جستجوی اولویت‌های آموزشی دستور زبان فارسی» پیکره‌ای از گونه‌های نوشتاری و گفتاری زبان فارسی را از متون مطبوعاتی تهیه کرده و با انتخاب تصادفی بیش از ۷۰۰ مقاله از روزنامه‌های کثیرالانتشار و برچسب‌گذاری حدود ۳۰ هزار فعل از میان آن‌ها، تلاش کرده تا پیکره‌ی منسجمی از افعال به‌کاررفته در نوشتار را جمع‌آوری کند. پژوهش دیگر در این زمینه پایان‌نامه کارشناسی ارشد رجایی (۱۳۸۹) است با عنوان «تعیین واژگان پربسامد در رسانه‌های خبری فارسی‌زبان برای آموزش به غیرفارسی‌زبانان» رجایی در این پژوهش پیکره‌ای شامل یکصد هزار واژه از واژگان رایج در رسانه‌های خبری مکتوب فارسی را بررسی کرده و پس از شمارش و تهیه بسامد واژه‌ها، در نهایت تعداد ۸۰۰ واژه پربسامد را مشخص کرده تا به‌عنوان منبعی در اختیار مؤلفین کتب آموزشی برای آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان قرار گیرد. تاکنون در مورد زبان معیار و معیار سازی نیز تحقیقاتی انجام شده است از جمله این پژوهش‌ها می‌توان به مقاله ذوالفقاری (۱۳۸۵) اشاره کرد «تحت عنوان آسیب‌شناسی زبان مطبوعات» که برگرفته از تحقیقی با عنوان «الگوهای غیر معیار در زبان مطبوعات» می‌باشد. ذوالفقاری در این پژوهش تعدادی از روزنامه‌ها و مجلات کثیرالانتشار را از دیدگاه الگوهای زبانی غیرمعیار بررسی کرده و الگوهای زبانی معیار را مطابق قواعد ساخت زبان فارسی پیشنهاد کرده و راه‌های پرهیز از کاربرد غیرمعیار را معین نموده. مدرسی، سمیعی، صادقی و فرشید ورد نیز در مقالات و کتاب‌های خود به برخی مسائل نظری معیار سازی اشاره کرده‌اند اما جامع‌ترین تحقیق درباره معیار سازی و زبان معیار مربوط به سارلی (۱۳۸۷) است. وی در کتابی با عنوان «زبان فارسی معیار» به بررسی الگوهای معیار زبان فارسی پرداخته و آن‌ها را مورد توجه قرار داده است. این کتاب نخستین بررسی علمی و تفصیلی در باب زبان فارسی معیار است. نویسنده در این کتاب با نگاهی نسبتاً جامع رویکردهای گوناگون در این حوزه را مطرح کرده است. از آنجاکه این تحقیق جامعه آماری نسبتاً وسیعی از جملات زبان فارسی را در برمی‌گیرد نتایج آن در این مقاله مورد توجه قرار گرفته است. کتاب «توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی» بر اساس یک نظریه عمومی زبان، باطنی (۱۳۸۹) یکی از منابعی است که به معرفی ساخت‌های زبان فارسی می‌پردازد. نگارنده، با جمع‌آوری بیش از یازده هزار جمله فارسی از کتاب‌ها، مجلات و نوشته‌های مختلف، توصیفی از زبان فارسی را بر اساس نظریه زبانی مقوله و میزان مایکل هالیدی ارائه می‌دهد. نکته قابل توجه در مورد این کتاب این است که به‌طور عمومی به ساخت‌های مورد استفاده در زبان فارسی پرداخته و تمرکز خاصی بر رسانه‌های خبری ندارد و در نهایت این کتاب در سطح نظری است و دارای جنبه آموزشی نیست؛ ولی به‌طور کلی هیچ‌یک از این پژوهش‌ها تأثیر رسانه‌ها را از جنبه زبان معیار برای آموزش به غیر فارسی‌زبانان ارائه نکرده و راهکارهای عملی برای آن

مطالعات زبان

ارائه نداده است. از آنجا که پژوهش حاضر به بررسی الگوهای معیار در متون مطبوعاتی می‌پردازد آراء و اندیشه‌های صاحب‌نظران در حوزه گونه‌های معیار زبان فارسی مورد توجه خواهد گرفت. لازم به ذکر است که چارچوب اصلی این تحقیق بر پایه نظریات زبان معیار سارلی است. همچنین توصیفی از متون مطبوعاتی از منظر خوانش‌پذیری انجام خواهد شد و به آراء صاحبان اندیشه در مورد ویژگی‌های یک متن خوب نیز اشاره خواهد شد.

۱-۲. تعریف زبان معیار و گونه مطبوعاتی زبان

سؤالی که با آن مواجه هستیم این است که زبان معیار چیست و الگوهای دستوری زبان معیار کدامند؟ دیدگاه‌های مختلفی در مورد زبان معیار وجود دارد. از نظر سارلی زبان معیار زبانی است که در اصل پانزدهم قانون اساسی ایران آمده است. زبان و خط رسمی مشترک مردم ایران فارسی است و اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید به این خط و زبان باشد [۱]. از نظر ترادگیل زبان معیار آن گونه زبانی است که در مطبوعات به کار می‌رود و در مدارس تدریس می‌شود علاوه بر این، زبان گونه‌ای است که افراد تحصیل کرده بدان تکلم می‌کنند و در پخش اخبار و سایر موقعیت‌های مشابه به کار می‌رود و گونه‌ای معتبر از یک زبان است که بیشتر به وسیله گویندگان تحصیل کرده‌ای که در مراکز فرهنگی و سیاسی یک کشور زندگی می‌کنند، به کار می‌رود [۸]. این گونه غالباً زبان رسمی در آموزش، رسانه‌های گروهی و سایر موقعیت‌های مشابه است. در تعریف دیگر، زبان معیار زبانی است که واری لهجه‌های محلی و اجتماعی رایج در کشور قرار دارد و وسیله ارتباطی، اجتماعی، علمی و ادبی کسانی است که ممکن است در شرایط دیگر به لهجه‌های محلی یا اجتماعی خاص خود تکلم کنند. این زبان همان زبان درس‌خواندگان است و غالباً با زبان نوشتار یکی است. همین زبان است که در رادیو و تلویزیون و روزنامه‌ها به کار می‌رود و در آموزش زبان به خارجیان مورد استفاده قرار می‌گیرد [۱۶]. با تعریف‌هایی که از زبان معیار داده شد زبان معیار دامنه وسیعی را در برمی‌گیرد کتاب‌های درسی، روزنامه‌ها، مطبوعات و برنامه تدریس هر زبان به افراد خارجی، معمولاً در گستره زبان معیار قرار می‌گیرند و از نگاه اکثریت مردم زبان رسانه‌های نوشتاری زبان معیار محسوب می‌شود و در صورت اشتباه و خطا سریع در بین مردم رواج پیدا می‌کند و به سرعت فرهنگ جامعه را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. همچنان که زبان در سطح گفتار پدیده‌ای یکپارچه نیست و دارای گونه‌های متنوع است در سطح نوشتار نیز می‌توان گونه‌های مختلفی از زبان را از یکدیگر تفکیک کرد هر چند به نظر می‌رسد تفکیک گونه‌های زبان نوشتاری چندان ساده نباشد. به‌طور کلی می‌توان انواع و گونه‌های زبان نوشتاری را به چند اعتبار تقسیم کرد. مهم‌ترین گونه‌های زبان نوشتاری شامل: گونه علمی، گونه ادبی، گونه اداری، گونه کودکان و گونه مطبوعاتی است که از این میان گونه مطبوعاتی گونه‌ای از نوشتار روزنامه‌ای است که معمولاً به سرعت نوشته می‌شود و از دقت کمتری برخوردار است. این گونه از نوشته برای عموم مردم نوشته می‌شود و معمولاً طبقات مختلف جامعه آن را درمی‌یابند. همچنین این گونه از زبان معمولاً از آرایش‌ها و زیبایی‌های کلامی ادبی خالی است [۱۱]. البته از آنجا که روزنامه‌ها و نشریات قالب‌های مختلفی چون مقاله، مصاحبه، گزارش و موضوعاتی چون ادب و هنر، ورزشی، حوادث، داستان، سرگرمی و دارند زبان نوشته‌های آن‌ها یکسان نیست اما ویژگی‌هایی که ذکر شد در اغلب نوشته‌های مطبوعاتی دیده می‌شود. لازم به ذکر است که معیار سازی و تثبیت‌کننده زبان معیار به عهده حکومت‌ها و نهادهای حکومتی، دستور نویسندگان و زبان‌شناسان می‌باشد [۱۳]. به‌عنوان مثال فرهنگستان زبان و ادب فارسی در برابر واژگان بیگانه، شیوه صحیح املاء نویسی، تدوین فرهنگ و دستور نویسی اقدام به معیار سازی می‌نماید. صاحب‌نظران عواملی از جمله ورود عناصر مهجور و متروک در سطوح مختلف آوایی، صرفی، نحوی، معنایی را در مقوله‌های قاموسی یا دستوری، گرت‌برداری از زبان بیگانه، اصرار در سره‌نویسی و از جمله الگوهای غیرمعیار زبان فارسی می‌دانند [۲۰].

مطالعات زبان

۲-۲. نقش‌های زبان معیار

با توجه به موضوع تحقیق در این بخش به دو نمونه از نقش‌های زبان معیار اشاره می‌شود. یکی از نقش‌های زبان معیار مرجعیت آن است. این گونه زبانی، معیار محک درستی و نادرستی صورت‌های متفاوت زبانی یک جامعه است. [۲۳]. منظور از مرجعیت زبان معیار آن است که پس از آنکه تثبیت شد و الگوهای آن در کتب دستوری و فرهنگ‌های لغت تدوین یافت ملاک درست و غلط می‌شود [۱۳]. این گونه زبانی در ارتباطات زبان رسمی و کتاب‌های درسی مورد استفاده قرار می‌گیرد و بدین ترتیب، تأثیر بسیاری در تلقی مردم جامعه زبانی در مورد درست و غلط می‌نهد. عدول از الگوها و هنجارهای زبان معیار، از آن پس با هشدار و انتقاد پاسداران زبان و منتقدان مواجه خواهد شد [۱۱]. /مروزه/ اکثر زبان‌های معیار دنیا تثبیت شده و گسترش یافتند و ابزار و حوزه گسترش آن‌ها عبارت‌اند از: /صد/وسیما، /روزنامه‌ها، کتب درسی و [۱۴]. زبان معیار می‌تواند این کارکرد مهم را داشته باشد که امکانات واژگانی و نحوی مناسب و کافی در اختیار مترجمان و نویسندگان قرار دهد [۱۱]. یکی دیگر از نقش‌های زبان معیار پختگی آن است. در دستور زبان پختگی با توسعه روش‌های ساخت‌واژه و گسترش امکانات نحوی زبان به دست می‌آید و به نویسندگان و گویندگان اجازه و امکان ساختن جملات گسترده و مرکب، ولی در عین حال دقیق و حساب شده را می‌دهد. پختگی دستوری مستلزم پرهیز از جملات دارای حذف به قرینه و الزام در بکار بردن ساختارهای نحوی کامل است [۱۱]. اگر میان کاربردهای مختلف زبان معیار، از نظر میزان پختگی تمایزی قائل شویم، معمولاً گونه معیار روزنامه‌ها و مطبوعات درجه والایی از پختگی را ندارند [۱۵]. زبان معیار روزنامه‌ای روی هم رفته معمولاً الگوهای زبانی پرورده را ندارد و به این سبب از کاربرد سطح بالای معیار محسوب نمی‌شود. در سطح واژگانی نیز این گونه زبانی از دقت و پروردگی برخوردار نیست. ساختارهای نامعیار کم‌وبیش در گونه زبانی روزنامه‌ها دیده می‌شود. دلیل این امر یکی شتاب روزنامه‌ها در نوشتن و ارائه مطالب و اطلاعات است و دیگر سطح پایین سواد و معلومات نویسندگان است [۱۱].

۲-۳. دستور زبان معیار

زبان در طول زمان تغییر می‌کند. این تغییر در همه سطوح زبان رخ می‌دهد. همان‌طور که می‌دانیم دستور زبان امروز در مقایسه با دستور زبان دوره‌های قبل تغییرات زیادی داشته است. مطابق یک اصل کلی، ساختمان دستوری زبان به‌طور کلی ساده می‌شوند. زبان فارسی معیار نیز از این اصل مستثنی نبوده است. همچنین ساختارهای دستوری زبان فارسی معیار، از ساختارهای دستوری زبان‌های بیگانه و گویش‌های محلی تأثیر پذیرفته است. تأثیر دستوری زبان‌های بیگانه بیشتر جنبه صرفی داشته است و تأثیر گویش‌های محلی و عامی بیشتر جنبه نحوی [۱۵]. برخی از محققان زبان فارسی مهم‌ترین خصیصه زبان معیار را وضوح و روشنی آن دانسته‌اند؛ بنابراین از نظر آن‌ها زبان معیار نمی‌تواند و نباید از ساختارهای پیچیده گویش‌های محلی و زبان بیگانه تأثیر بپذیرد [۱۹]. لازم است گویش‌شناسان، ساختارهای دستوری تمام گویش‌های هر زبان را استخراج کنند. سپس این ساختارها را با ساختارهای دستور زبان فارسی معیار مقایسه شود. با چنین کاری می‌توان قابلیت‌های دستوری ساختارهای دستوری گویش‌های نامعیار را شناخت و ساخت‌های مفید دستوری را در زبان معیار به کاربرد [۱۴]. فیلیپ گایار روزنامه‌نگار فرانسوی درباره سبک روزنامه‌نگاری می‌گوید: سبک روزنامه‌نگار سبک ژورنالیستی است و این سبک بیش از هر چیز این هدف را دنبال می‌کند که کار خواندن و فهمیدن را برای خواننده عادی آسان می‌سازد. وی مهم‌ترین ویژگی‌های نثر مطبوعاتی را ساده‌نویسی، ترجیح جمله‌های مستقل و کوتاه بر جمله‌های طولانی، واقعیت، عینیت و ذهنیت، انتخاب کلمات و دقت در بکار بردن صفت‌ها، رعایت حد اعتدال در استفاده از آرایش‌ها و زیبایی ادبی نوشته می‌داند [۲۲]. سبک نوشتار متون مطبوعاتی باید شکل‌دهنده زبان معیار در

مطالعات زبان

جامعه باشد. در واقع سبک متون مطبوعاتی باید استاندارد باشد و مطابق با نشر کتاب‌های درسی و دارای قواعد و اسلوب‌های زبان فارسی باشد. زبان رسانه‌های ما به‌طور اعم، زبانی است که به‌دوراز قواعد ساخته می‌شود و مطالب علمی آن در بهترین شرایط محصول ترجمه مکانیکی است یا حتی در صورتی که تألیف باشد چنان تحت تأثیر اشتباهات رایج است که اگر از نظر دستوری غلط فاحش نداشته باشد عبارات آن به‌کلی بی‌معناست [۹]. رسانه‌های همگانی از جمله مطبوعات نقش مهمی در زبان معیار دارند و چون هر روز با توده عظیمی از مردم سخن می‌گویند تأثیر زیادی بر زبان می‌گذارند. با توجه به این واقعیت که شمار کم‌سوادان ما بسیار است و در نظام آموزشی ما آموزش زبان فارسی به‌صورت ناقص صورت می‌گیرد و دانش آموختگان زبان فارسی را خوب نمی‌آموزند و چندان مهارتی در به‌کارگیری آن کسب نمی‌کنند کیفیت زبان رسانه‌های همگانی آنان را به سهولت تحت تأثیر قرار می‌دهد و خواه‌ناخواه به الگوگیری و پیروی وامی‌دارد [۵]. به نظر می‌رسد نقش رسانه‌های همگانی ایران در سلامت زبان فارسی مهم‌تر و مؤثرتر است که رسانه‌های همگانی کشورهای پیشرفته در سلامت زبان ملی خود دارند؛ زیرا در آن کشورها نظام آموزشی زبان را تا آن حد به مردم می‌آموزند و در به‌کارگیری آن ماهر می‌سازند که در برابر غلط‌ها و کج سلیقه‌های احتمالی رسانه‌های همگانی ایمنی نسبی کسب کنند، حال آنکه در کشور ما چنین نیست و غلط‌ها و کج سلیقه‌های زبانی رسانه‌های همگانی به‌سرعت در میان مردم رایج می‌شود و زبان را آلوده و بیمار می‌سازد [۶].

۳. ویژگی‌های یک متن خواندنی

در زندگی اجتماعی امروز خواندن یکی از مهم‌ترین ابزارهای ایجاد ارتباط در زمینه‌های مختلف زندگی انسان شناخته شده است. خواندن نه تنها فعالیتی مطلوب و سرگرم‌کننده است بلکه وسیله‌ای برای گسترش و تقویت دانش زبانی نیز محسوب می‌شود [۱]. با وجود آنکه رسانه‌های جمعی چنان گسترده شده‌اند که نیازهای اطلاعاتی افراد را برآورده می‌کنند ولی هنوز متون نوشتاری بزرگ‌ترین منبع اطلاعات محسوب می‌شوند چون تقریباً تمام مواد علمی در شکل نوشتاری ارائه می‌شوند. در نتیجه توانایی خواندن زبان فارسی برای آموزان همیشه ضروری است تا بتوانند نیازهای خود را فراهم کنند؛ بنابراین انتخاب مواد خواندنی مناسب ضروری به نظر می‌رسد. ویژگی یک متن خواندنی ایجاد تعامل بین نویسنده و خواننده است که این تعامل در متون آموزشی منجر به یادگیری بهتر زبان آموز می‌شود. به عقیده اوکھیل^۱ یکی از مؤثرترین راه‌های مطالعه خواندن رویکرد تحلیلی است [۳]. روشی که نویسنده برای رساندن پیام و بیان دیدگاه خود و جلب نظر خواننده انتخاب می‌کند شامل استفاده از موارد گوناگونی مانند ساختار دستوری مناسب، واژه‌ها، نشانه‌گذاری، فاصله‌گذاری، قلم‌های متفاوت و همچنین به کار بردن آرایه‌های ادبی... است یور^۲ [۴]. ناتال^۳ [۲] سه معیار اصلی را برای انتخاب متن بدین گونه عنوان می‌کند:

- ۱- متن باید از نظر محتوا مناسب باشد به طوری که علاقه خواننده را جلب کند.
- ۲- متن باید تسهیل‌کننده امر یادگیری باشد یعنی توانش^۴ خواننده را ارتقاء دهد.
- ۳- خوانش پذیری که در واقع میزان قابلیت درک خواننده است و اشاره به ساختار متن و واژگان مشکل دارد.

¹ oakhil

² ur

³ Nuttal

⁴ competence

مطالعات زبان

بنابراین با توجه به مطالب گفته‌شده، در انتخاب متن باید مخاطب همواره مورد توجه قرار گیرد یکی از مواردی که باید در انتخاب متون خواندنی مدنظر قرار گیرد درجه دشواری متن است. در اکثر موارد که زبان آموزان به خواندن تشویق و ترغیب نمی‌شوند به دلیل کاربرد واژگان و ساختار جملات بکار رفته در متن است که زبان‌آموز را با مشکل مواجه می‌کند. لذا توجه به این موارد یعنی بکار بردن ساختار ساده به جای پیچیده و واژگان پربسامد و کاربردی می‌تواند به‌عنوان یک راه‌حل مورد توجه متصدیان متون نوشتاری قرار گیرد.

۴. روش پژوهش

برای انجام این پژوهش بر اساس مطالعات اولیه ابتدا پیکره‌ای از متون مطبوعاتی پرتیراژ تهیه شد. تعداد کل جملات مورد بررسی ۱۴۰۰ جمله از ۶ نشریه است. مطبوعات منتخب شامل سرا سری (جام جم، همشهری و ایران از تاریخ ۹۴/۴/۵ تا ۹۴/۶/۵) و عامه‌پسند (روزهای زندگی، خانواده سبز و اطلاعات هفتگی از تاریخ ۹۴/۴/۲۴ تا ۹۴/۹/۱۵). نسبت انتخاب جمله‌ها در میان ۶ نشریه از هر نشریه ۷۰۰ جمله انتخاب و بررسی شده است. انتخاب جملات تصادفی (در سه گروه اجتماعی، ورزشی و حوادث در قالب خبر، مقاله و گزارش) انتخاب گردید. سعی کرده‌ایم در انتخاب موضوعات با توجه به نوع نشریه هم‌تراز بودن موضوعی را رعایت کنیم. پس از انتخاب پیکره مورد نظر جمله‌ها از نظر الگوهای زبانی معیار و از منظر نحوی بررسی و با هم مقایسه شده است. کتاب‌ها و مقالات مربوط به زبان معیار زبان فارسی و ویژگی‌های آن در تدوین این تحقیق مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

۵. بحث و بررسی

همانطور که ذکر شد پیکره پژوهش شامل ۱۴۰۰ جمله است که از شش نشریه پر خواننده تهیه‌شده است. در ادامه با توجه به مطالب گفته‌شده به بسامد پیچیدگی نحوی در متون مطبوعاتی اشاره می‌کنیم و نمونه‌هایی از زبان معیار و زبان مطبوعاتی را ذکر می‌کنیم تا به تفاوت‌های این دو سطح از زبان بپردازیم.

۵-۱. کاربرد جمله‌های طولانی

نکته قابل توجه در بررسی انجام‌شده، کاربرد جملات طولانی است که بیشترین آمار را در هر دو پیکره (مجلات و روزنامه‌ها) به خود اختصاص داده‌اند. ساختار طولانی جملات به‌ویژه در متون خبری بیشتر رایج است. انتظار خوانندگان مطلب رسانه این است که فاعل دستوری بلافاصله با فعل دنبال شود (طبق قواعد دستوری زبان انگلیسی) یا بهتر بگوییم جمله کوتاه باشد (طبق قواعد دستوری زبان فارسی) هر فاصله‌ای که بین فاعل و فعل ایجاد شود گسیختگی به حساب می‌آید و در نتیجه کمتری به آن داده می‌شود هر چه ساختار متن دشوارتر باشد، احتمال کمتری وجود دارد که بخش وسیعی از خوانندگان دقیقاً همان چیزی را که مؤلف در نظر داشته، درک نمایند [۱۱]. یکی از ویژگی‌های بارز متون مطبوعاتی بر پایه توضیح و تکرار است و نویسنده سعی دارد پیام خود را به هر شکل ممکن به مخاطب برساند و همین موضوع باعث می‌شود جمله‌های معترضه متعدد در درون جمله اصلی قرار گیرند و جمله‌ها به یکدیگر وابسته شوند و جمله‌های طولانی تولید شوند. در زیر نمونه‌ای از این‌گونه جمله‌ها ذکر می‌شود.

* ۱۷ سال برنامه هفتگی به‌عنوان تهیه‌کننده و مجری آن‌هم نه در یک برنامه خنثی، بلکه برنامه‌ای که هر هفته برای او می‌تواند پر از استرس و حاشیه باشد، آن‌هم در یک فوتبال پرحاشیه، اما سعی می‌کند که خودش همیشه از حاشیه دور باشد و این نشان از هوش و ذکاوت بالایش دارد. (خانواده سبز ۹۴/۵/۱۵).

مطالعات زبان

رعایت قواعد دستوری و شیوه جمله‌بندی در نوشتن متن ضروری است و باید از کاربرد جمله‌های دراز و پیچیده که به‌زحمت می‌توان آن‌ها را به یکدیگر پیوند داد و به‌دشواری از معنی آن سر درآورد خودداری کرد. به کار بردن جمله‌های ساده و کوتاه عامل مؤثری در آسان کردن مطلب است و یک روزنامه‌نویس باتجربه همیشه سه جمله مستقل و کوتاه را بر یک جمله طولانی که درک مفهوم آن مستلزم چند بار خواندن است ترجیح می‌دهد [۲۰].

۵-۲. کاربرد مجهول

کاربرد مجهول از دیگر ویژگی‌های زبان مطبوعات است. در زبان فارسی استفاده از فعل مجهول زمانی لازم است که بخواهیم از فاعل اصلی جمله یاد کنیم. در زبان‌هایی مانند انگلیسی و فرانسه صیغه مجهول فعل کاربرد گسترده‌تری دارد و این کاربرد، از طریق ترجمه به زبان فارسی هم وارد شده و عمومیت یافته است. فعل مجهول جزء ساخت‌های طبیعی و رایج زبان فارسی است و هنگامی به کار می‌رود که فاعل در جمله ذکر نشود. در بسیاری از جمله‌های مطبوعات با آنکه فاعل و عامل اصلی جمله مشخص است و به‌صراحت در جمله ذکر شده است فعل به‌صورت مجهول می‌آید [۱۱]. استفاده از فعل مجهول با وجود مشخص بودن فاعل جمله از اشکالات نحوی محسوب می‌شود که در زبان مطبوعات رایج است. جمله مجهول یکی از ساخت‌هایی است که کودک در زمان نسبتاً طولانی فرامی‌گیرد. این ساخت هم از نظر ساختاری و هم از نظر مفهومی از ساخت‌های زبانی به شمار می‌آید که در انتهای مسیر فراگیری زبان به وقوع می‌پیوندد. فراگیری جمله معلوم از ابتدا در برنامه فراگیری زبان در کودک فعال است. او تمامی جملات را از ابتدا به‌صورت معلوم به کار می‌برد. ولی جمله مجهول یکی از ساخت‌های دستوری نسبتاً پیچیده و دشوار است که زمانی بسیار طولانی نیاز است تا کودک آن را فرا گرفته و بر کاربرد آن تسلط یابد [۱۸]. لذا می‌توان گفت درک و پردازش ساختار معلوم ساده‌تر از مجهول است این در حالی است که بسامد ساخت جمله‌های مجهول در مطبوعات نسبتاً بالا است. مثال‌هایی از این نوع ساخت در روزنامه‌های منتخب:

۱: * بیشترین صدمات جانی از طریق این خودروها ثبت شده است. (اطلاعات هفتگی ۹۴/۴/۲۴)

۲- این خودروها بیشترین صدمات جانی را ثبت کرده‌اند.

۱: * سه تن از قاچاقچیان حرفه‌ای که قصد توزیع ۱۵ کیلو حشیش در میبد استان یزد را داشتند توسط مأموران پلیس این شهرستان دستگیر و روانه زندان شدند. (همشهری ۹۴/۶/۱۱)

۲- پلیس سه تن از قاچاقچیان حرفه‌ای را که قصد توزیع ۱۵ کیلو حشیش در میبد استان یزد داشتند را دستگیر و آن‌ها را روانه زندان کرد.

۵-۳. حذف سازه‌ها

چنانچه جمله‌های همپایه، سازه‌ای در اشتراک داشته باشند، آن سازه در جمله نخست ظاهر می‌گردد، اما در جمله‌های بعدی حذف می‌شود [۱۷]. کلارک و کلارک^۱ حذف را راهی برای کوتاه کردن جملات تعریف می‌کنند؛ به‌عبارت‌دیگر حذف یکی از راه‌هایی است که می‌توان از طریق آن روساخت را به ساخت‌های خیلی کوتاه تبدیل کرد. لازم به ذکر است که فقط کلماتی در روساخت را می‌توان حذف کرد که قبلاً در جمله‌های پیشین یک متن آمده باشد. به اعتقاد لیچ و استوارتیک^۲ حذف و جابجایی بسیار مهم است زیرا پیام را کوتاه می‌کنند و علاوه بر این باعث درک بهتر می‌شوند؛ به‌عبارت‌دیگر حذف و جابجایی عواملی برای استحکام جمله در نظر گرفته می‌شوند. به عقیده آن‌ها حذف و جابجایی

¹ Clark, H.H & Clark

² Leech & Svartik

مطالعات زبان

به‌عنوان یک قانون کلی در همه‌جا امکان‌پذیر است به‌غیر از جایی که باعث ابهام شوند [۱۰]. در اینجا منظور از حذف، حذف بدون قرینه و یا حذف در داخل گروه اسمی است. در نگاه اول به نظر می‌رسد بسیاری از عناصر زبانی در مقوله حشو قرار دارند و باید از زبان مطبوعات حذف شوند، اما باید به این نکته هم دقت کرد که این کلمات و عبارات گاهی بار معنایی خاصی دارند و برای ایجاد ارتباط میان بخش‌های مختلف کلام به کار می‌روند.

۱- * این طوفان باعث شده است تا دید افقی به ۵۰ متر کاهش و تا دو ساعت دیگر نیز از تهران خارج شود. (ایران ۹۴/۶/۹).

۲- این طوفان باعث شده است تا دید افقی به ۵۰ متر کاهش یافته و تا دو ساعت دیگر نیز از تهران خارج شود.

۱- * وقتی او ثلث ثروت و دارایی‌اش را که طبق قانون ارث بعد از فوتش به من می‌رسید، همه را به نام من و پسرش را از ارث محروم کرد آن‌ها ناراحت شدند.

۲- وقتی او ثلث به نام من کرد (روزهای زندگی ۹۴/۹/۱۵)

حذف بی‌قرینه فعل از اشکالاتی است که گاهی موجب ابهام در معنای جمله می‌شود. با این حال اگر حذف بی‌قرینه فعل در معنای جمله خللی هم ایجاد نکند، باز هم از نظر دستوری غلط محسوب می‌شود. [۱۰].

۴-۵. جابجایی ارکان جمله

به اعتقاد محمودفد ترتیب توالی کلمات در زبان فارسی تا حدودی آزاد است و انواع متفاوت جملات ناشی از تغییر در توالی کلمات، با توجه به همین امر قابل توجیه است؛ اما باید اذعان کرد که این آزادی نسبی است و آزادی مطلق را در این مورد نامعقول و ناممکن می‌پندارد؛ زیرا اگر این آزادی مطلق باشد امکان کاربرد هر عنصر در هر محل امکان داشت و این بدون شک امری محال است. لذا شاید بتوان بعضی از جمله‌ها را به‌صورت گوناگون و با جابجایی سازه‌ها به کاربرد و آن‌ها را یکسان درک کرد اما جملاتی هم هستند که جابجایی سازه‌ها در آن‌ها به‌سادگی امکان‌پذیر نیست و باعث تغییر در معنا می‌شود و درواقع آزادی در جابجایی سازه مطلق نیست بلکه باید آن را امری نسبی دانست [۲۱].

۱- * او سابقه حضور در تیم هما را به‌عنوان مربی در کارنامه خود دارد. (ایران ۹۴/۵/۴)

۲- او به‌عنوان مربی سابقه حضور در تیم هما را در پرونده خود دارد.

مثال زیر نمونه‌ای از جابجایی اجزاء فعل را مرکب را نشان می‌دهد.

۱- * یعنی به‌نوعی خودمان اجازه دخالت در مسائل بزرگ‌ترها را به آن‌ها می‌دهیم. (خانواده سبز ۹۴/۵/۱۵)

۲- یعنی به‌نوعی خودمان به آن‌ها اجازه می‌دهیم در مسائل بزرگ‌ترها دخالت کنند.

فعل‌های مرکب حداقل دو جزء دارند: جزء فعلی یعنی جزئی که شناسه دارد و جزء اسمی که درواقع تکواژ یا تکواژهای مستقلی است که به جزء فعلی اضافه شده است یکی از ویژگی‌های فعل مرکب هم این است که نمی‌توان بین جزء اسمی و جزء فعلی آن تکواژهای نکره‌ساز و تفضیلی ساز، نشانه‌های جمع، صفت بیانی و مضاف‌الیه آورد [۷].

مطالعات زبان

۵-۵. خروج بند موصولی

جمله‌واره‌ی موصولی می‌تواند بر اثر عملکرد گشتار خروج به جایگاه پس از فعل انتقال یابد [۱۷]. در اکثر زبان‌ها بندهای موصولی سنگین (طولانی) راحت‌تر و بیشتر جابجا می‌شوند. باینکه تعاریف متفاوتی از «وزن دستوری» شده است، اما نقطه مشترک همه آن‌ها این است که اگر یک سازه نسبت به سازه‌های دیگر درون جمله طول و یا پیچیدگی بیشتری داشته باشند وزن دستوری آن نیز بیشتر است (هاوکینز^۱، ۲۰۰۴؛ واسو^۲ ۲۰۰۲). بر اساس اصل سنگینی در انتها (-end weight principle) (واسو ۲۰۰۰: ۳۲) سازه‌های سنگین در انتهای جمله قرار می‌گیرند. اگر طول بند موصولی بیشتر از گروه فعلی باشد احتمال خروج بیشتر است. فرانسیس^۳ (۲۰۱۰: ۳۸) تأثیر سنگینی بر خروج را به دو حوزه پردازش و تولید جملات نسبت داده است. گیوان^۴ (۲۰۰۱: ۲۱۰) می‌گوید حضور بندهای موصولی در وسط جمله باعث می‌شود اجزای بند اصلی از هم جدا شوند و باعث سخت‌تر شدن پردازش و درک جمله می‌شود [۱۲].

۱- * رئیس کنست اسرائیل در سخنرانی خود در نیویورک خواهان مشارکت کشورهای منطقه و حتی آن‌هایی که با اسرائیل روابط دیپلماتیک ندارند، شد. (همشهری ۹۴/۶/۱۱)

۳- رئیس کنست اسرائیل در سخنرانی خود در نیویورک خواهان مشارکت کشورهای منطقه و حتی آن‌هایی که با اسرائیل روابط دیپلماتیک ندارند.

در جمله اول بند موصولی طولانی باعث ایجاد اشکال در درک جمله اصلی می‌شود اما جابجایی این بند باعث آسان‌تر شدن پردازش آن خواهد شد.

۶. یافته‌های پژوهش

پس از جمع‌آوری داده‌ها نتایج هر قسمت تجزیه و تحلیل شد. سپس با توجه به میانگین و در صد هر یک از ساختارهای نحوی در متون مطبوعاتی (سرا سری و عامه‌پسند) با یکدیگر مقایسه گردید بر اساس نتایج به دست آمده چنانکه در جدول و نمودار (۱ و ۲) ملاحظه می‌شود بیشترین ساختار در هر دو نشریه (عامه‌پسند و سرا سری) مربوط به ساختار ناهمپایه و کاربرد جملات طولانی است؛ بنابراین می‌توان اذعان کرد در متون مطبوعاتی چه روزنامه‌ها و چه مجلات پیچیدگی دستوری بیشتر از نوع جمله‌های مرکب و ساختار ناهمپایه است؛ و این مطلب با میزان پیچیدگی متن رابطه مستقیم دارد لذا به نظر می‌رسد با تغییر هر یک از عوامل ذکر شده در جدول (۱ و ۲) می‌توان پیچیدگی دستوری را کمتر کرد.

جدول ۱- توزیع فراوانی و درصد متغیرهای ساختار نحوی در روزنامه‌های منتخب (سرا سری)

متغیر	ساختار ناهمپایه		جابجایی سازه		حذف سازه		گشتار خروج		ساختار مجهول	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
ایران	۱۲۰	٪۵۱/۴	۵۳	٪۲۲/۷	۴۹	٪۲۱	۲۹	٪۱۲/۴	۳۳	٪۱۴/۱

¹ Hawkins

² waso

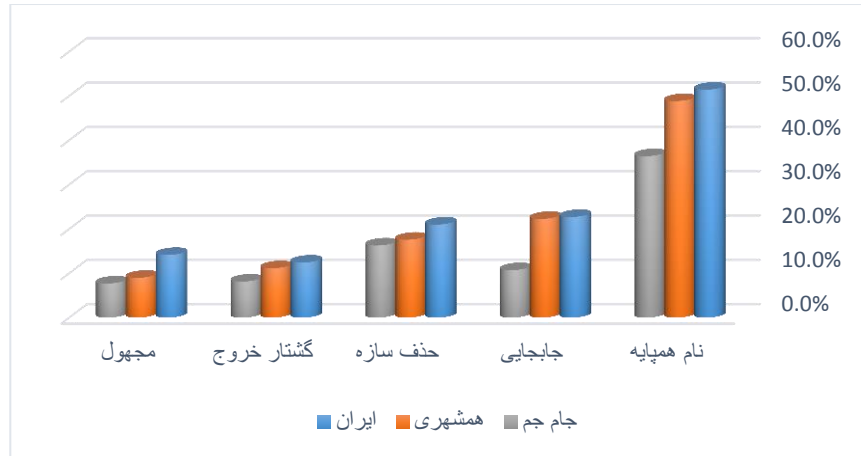
³ Fransic

⁴ Giva

مطالعات زبان

همشهری	۱۱۴	%۴۸/۹	۵۲	%۲۲/۳	۴۱	۱۷/۶	۲۶	%۱۱/۱	۲۱	%۲۱
جام جم	۸۵	%۳۶/۴	۲۵	%۱۰/۷	۳۸	%۱۶	۱۹	%۸/۱	۱۸	%۱۸

چنان که در جدول و نمودار ۱ و ۲ ملاحظه می‌شود بیشترین ساختار نحوی در روزنامه‌های منتخب به ساخت ناهمپایه اختصاص دارد.



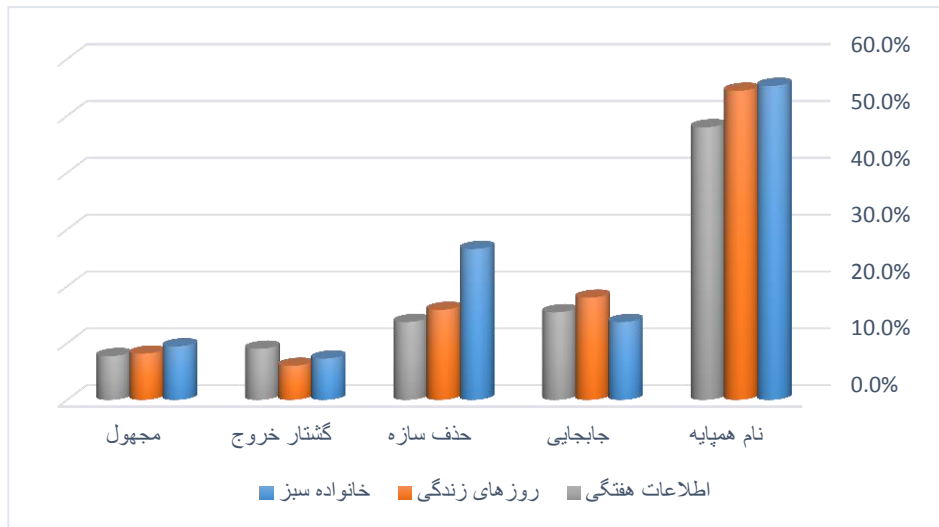
نمودار ۱- نمودار درصد متغیرهای ساختار نحوی در روزنامه‌های منتخب

جدول ۲- توزیع فراوانی و درصد متغیرهای ساختار نحوی در مجله‌های منتخب

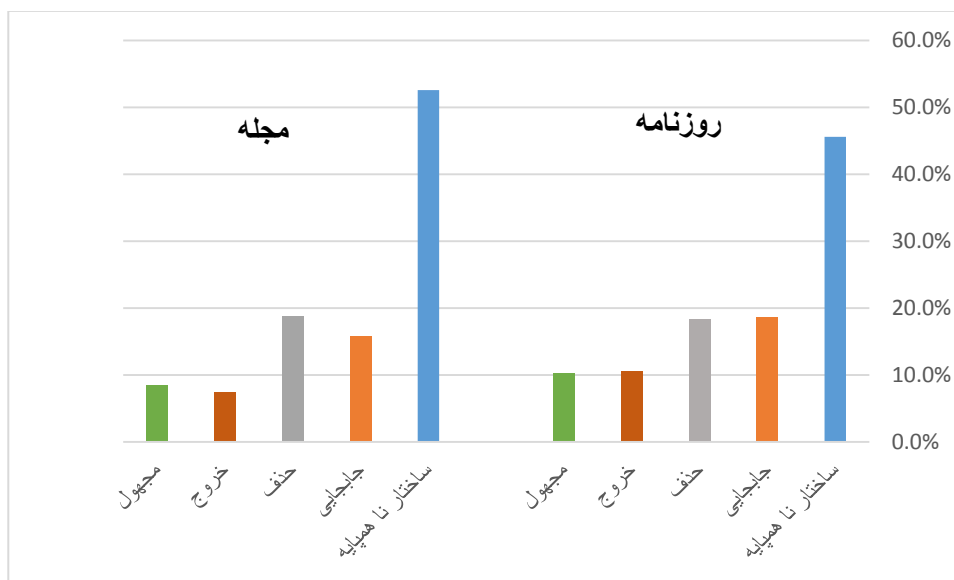
متغیر نشریه	ساختار ناهمپایه		جابجایی سازه		حذف سازه		گشتار خروج		ساختار مجهول	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
خانواده سبز	۱۲۹	%۵۵/۳	۳۲	%۱۳/۷	۶۲	%۲۶/۶	۱۷	%۷/۳	۲۲	%۹/۴
روزهای زندگی	۱۲۷	%۵۴/۴	۴۲	%۱۸	۳۷	%۱۵/۹	۱۴	%۶	۱۹	%۸/۱
اطلاعات هفتگی	۱۱۲	%۴۸	۳۶	%۱۵/۴	۳۲	%۱۳/۷	۲۱	%۹	۱۸	%۷/۷

مطالعات زبان

نمودار (۲) در صد متغیرهای مربوط به ساختار نحوی در نشریه‌های عامه‌پسند (مجلات) را نشان می‌دهد



نمودار ۲- نمودار درصد متغیرهای ساختار نحوی در مجله‌های مورد بررسی

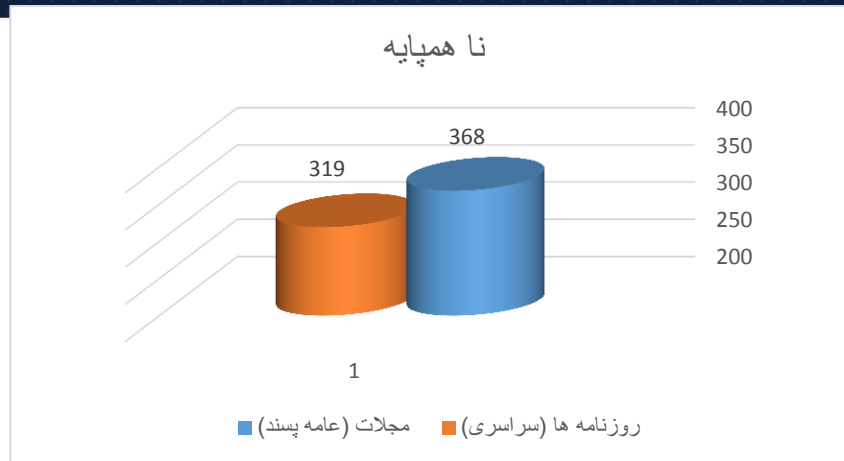


نمودار ۳- مقایسه درصد متغیرهای نحوی در روزنامه‌ها و مجلات منتخب

نمودار شماره ۳ مقایسه روزنامه‌ها (سراسری) و مجله‌ها (عامه‌پسند) را نشان می‌دهد. چنان‌که ملاحظه می‌شود بین مجله‌ها و روزنامه‌ها از نظر ساختار نحوی تفاوت معناداری مشاهده نمی‌شود.

با توجه به اینکه ساختار ناهمپایه بیشترین فراوانی را در مجله‌ها و روزنامه‌ها به خود اختصاص داده‌اند در نمودار شماره ۴ مقایسه‌ای از این ساختار نشان داده شده است.

مطالعات زبان



نمودار ۴- نمودار مقایسه درصد ساختار ناهمپایه در مجله‌ها و روزنامه‌های مورد بررسی

جدول ۳- مقایسه ساختار ناهمپایه در روزنامه‌ها و مجلات

	مجله‌ها (عامه پسند)	روزنامه‌ها (سراسری)	جمع
ناهمپایه	۳۶۸	۳۱۹	۶۸۷

چنانکه در نمودار شماره ۴ و جدول شماره ۳ مشاهده می‌شود از مجموع ۶۸۷ نمونه ساختار ناهمپایه و جمله‌های طولانی ۳۱۹ مورد مربوط به روزنامه‌ها و ۳۶۸ مورد مربوط به مجله‌های منتخب است؛ که در مقایسه تفاوت زیادی بین این نشریات از نظر ساختار جملات ناهمپایه و طولانی مشاهده نمی‌شود.

۷. نتیجه‌گیری

از مباحث مطرح شده در این پژوهش می‌توان چنین نتیجه گرفت با توجه به اینکه زبان مطبوعات به‌عنوان یک رسانه ملی، زبان معیار است اما زبان مخصوص به خود را دارند. ابزارهای پیچیدگی متن و ابهام را در طولانی بودن جملات، جابجایی سازه‌ها، ساختار مجهول، کاربرد جمله‌های پیچیده و مرکب می‌توان عنوان کرد. نتایج حاصل از این پژوهش حاکی از آن است در اکثر موارد تفاوت زیادی میان مجلات و روزنامه‌ها از نظر ساختار نحوی (جابجایی ارکان جمله، حذف سازه‌ها، طولانی بودن جمله‌ها، کاربرد جمله‌های مرکب و پیچیده) وجود ندارد؛ که در این مقاله به نمونه‌هایی از آن اشاره شد. در نتیجه به نظر می‌رسد با توجه به بسامد بالای عناصر زبانی فوق‌الذکر در رسانه‌های نوشتاری اعم از روزنامه‌ها و مجلات مورد بررسی در این پژوهش، ساختار متون مطبوعاتی فارسی‌زبان چه از نظر واژگانی و چه از نظر دستوری نمی‌تواند سهم مناسبی در آموزش زبان فارسی برای غیرفارسی‌زبانان داشته باشد. البته شایان ذکر است با توجه به حجم زیاد نسخه‌های مطبوعاتی در کشور و نیز از آنجا که پژوهش حاضر تنها تعداد محدودی از ساختارهای نحوی زبان فارسی را در رسانه نوشتاری مورد بررسی قرار داده است، نمی‌توان نتایج آن را به همه انواع رسانه‌های نوشتاری تعمیم داد.

۸. مراجع

مطالعات زبان

- 1- Chastain, K. (1988), " *Developing second language skills: Theory and practice*," Florida. Harcourt Brace Jovanovich.
- 2- Nuttal, N. (1996), "*Teaching Reading skill in foreign language*," Oxford, Macmillan Heinemann English language teaching.
- 3- Oakhill, J. V & Grantham. (1988), "*Becoming a skilled reader*," Oxford: Basil Blackwellinc
- 4- Ur, P. (2012), "*A course in English language teaching*" New York, Cambridge university press.

- ۵- ایرانی، ن. (۱۳۷۵)، " *زبان فارسی را حفظ کنیم*،" انتشارات مرکز دانشگاهی، تهران.
- ۶- ایرانی، ن (۱۳۷۵)، « *خطرهایی که زبان فارسی را تهدید می‌کند*،" انتشارات مرکز دانشگاهی، تهران.
- ۷- پیر جانی، ع. (۱۳۹۰)، " *بررسی گروه‌های اسمی وصفی و اضافه‌ای در زبان فارسی*،" پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.
- ۸- ترادگیل، پ. " *زبان‌شناسی اجتماعی*، (ترجمه محمد طباطبایی) انتشارات آگاه، تهران.
- ۹- حیدر زاده، ت. (۱۳۷۲)، " *نقش رسانه‌های همگانی در ترویج زبان علم*،" انتشارات مرکز نشر دانشگاهی، تهران.
- ۱۰- خیر آبادی، م. (۱۳۸۷)، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی تهران*.
- ۱۱- ذوالفقاری، ج. (۱۳۸۵)، " *الگوهای غیرمعیار در زبان مطبوعات*،" طرح پژوهشی به سفارش دفتر مطالعات و توسعه رسانه، مرکز تحقیقات زبان و ادب فارسی. دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- ۱۲- راسخ مهند، م. (۱۳۹۱). " *تبیین نقشی خروج بند موصولی در زبان فارسی*،" *مجله پژوهشی زبان‌شناسی*، سال ۴، شماره ۵ ص ۲۱-۴۶.
- ۱۳- سارلی، ن. (۱۳۸۷)، " *زبان فارسی معیار*،" انتشارات هرمس، تهران.
- ۱۴- سارلی، ن. (۱۳۸۷)، " *نحوه به‌کارگیری گونه‌های مختلف زبان در برنامه‌های صداوسیما*،" انتشارات هرمس، تهران.
- ۱۵- سارلی، ن. (۱۳۸۲)، " *روند معیار سازی زبان فارسی رساله دکتری*،" دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- ۱۶- صادقی، ع. (۱۳۶۲)، " *مقاله گونه‌های زبان فارسی و زبان معیار*،" نشر دانش، تهران. سال ۳- شماره ۴ ص ۱۶-۲۱

مطالعات زبان

۱۷- غلامعلی زاده، خ. (۱۳۸۶)، "ساخت زبان فارسی"، انتشارات احیاء کتاب، تهران.

۱۸- کشاورمنش، ن. (۱۳۹۳)، "پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.

۱۹- فرشید ورد، خ. (۱۳۸۰)، "لغت‌سازی و ترجمه اصطلاحات علمی و فنی"، انتشارات سازمان تبلیغات اسلام

۲۰- گیلانی، ا. (۱۳۷۳)، "فارسی بنویسیم"، نشر دانش، تهران.

۲۱- محمودف، ح. (۱۳۶۵)، "ترتیب توالی کلمات در جملات ساده و ترکیبی فارسی"، (ترجمه احمد شفائی)،

مجله زبانشناسی، تهران، سال ۳- شماره ۱ ص ۶۵-۵۳

۲۲- منصور، ر. (۱۳۶۵)، "چرا و چگونه زبان فارسی باید زبان علمی باشد"، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی، تهران.

۲۳- نیکو بخت، ن. (۱۳۸۷)، "مبانی درست نویسی زبان فارسی معیار چاپ دوم"، انتشارات سرچشمه تهران.